

به نام خدا

پیشگفتار

درس عربی، درسی است که اغلب داوطلبان کنکور توجه کمتری به آن دارند و تعدادی به دلیل اینکه احساس می کنند این درس نیاز به مطالعه زیاد دارد به طور کلی بی خیال آن می شوند! عربی به عنوان یک درس عمومی برای همه گروههای آزمایشی ضریب (۲) دارد. میانگین نمره درس عربی قبول شدگان کنکور در گروه ریاضی ۱۸/۳۸ درصد، تجربی ۱۵/۰۶ درصد، انسانی ۱۲/۳۲، هنر ۸/۹۲ و زبان های خارجی ۲۰/۰۴ درصد است. درس عربی پایین ترین نمره را در میان دروس عمومی دارد. ولی در گروه زبان خارجی و تا حدی علوم تجربی رقابت در این درس جدی تر و حتی شدیدتر از درس ادبیات است. نکته جالب در مورد درس عربی آن است که این درس هر چند نسبت به درسهای ادبیات و معارف ضریب کمتری دارد، اما به علت ضعف عمومی داوطلبان، هر نمره آن به مقدار بیشتری نمره تراز شما را افزایش می دهد.

در این جزوه سعی کردم تجربیات و خلاصه نویسی های شخصی خودم را با شما داوطلبان عزیز به اشتراک بگذارم مخصوصا با آن دسته از داوطلب هایی که درصد های پایین دارند و به نوعی از کسب نمره بالا در این درس نا امید اند! تهیه و مرور این جزوه باعث شد من درصد عربی خودم را (۱۰۵ درصد) افزایش بدهم! وقتی من توانستم چرا شما ها نتوانید. من هم مثل شما دانش آموز بودم تازه از اون دسته ای که فقط سال آخر رو جدی گرفتند و تو سه سال قبل پیش دانشگاهی خیلی تلاشی برای کنکور نکرده بودند. شما هم اگه اراده کنین می تونید درصد (۱۶-) به (۸۹.۱۴) تبدیل کنید.

و اما راز پیشرفت با همچین شبیهی چیست؟ جواب خیلی سادست. استمرار و امید! شما باید هر هفته خلاصه نویسی خود را تکمیل و آن را مرور کنید. نباید نگران درصد های امروز خود باشید شما چندین ماه فرصت دارید تا به ایده آل خود در کنکور سراسری برسید فقط کافیه در این مدت از راه درست منحرف نشوید. به برنامه ریزی خود مقید باشید، مطمئنا شما در چند هفته نخست تفاوت بزرگی حس نخواهید کرد و این استمرار در این روند است که باعث پیشرفت شما می شود. قرار نیست هر هفته زمان زیادی بگذارید مهم این است که هر هفته زمان بگذارید. مرور مستمر و خلاصه برداشتن از نکات جدید باعث می شود درصد شما پیشرفت قابل توجه ای داشته باشد

امیر رمضانی

@venustops

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱

۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

باور داشته باشید «هر آنچه را که شما به وضوح تصور می کنید، مشتاقانه آرزو می کنید، خالصانه به آن اعتقاد دارید و با شور شوق بر اساس آن عمل می کنید ... به ناچار باید اتفاق بیافتد.»

تقدیر و تشکر

از مادر عزیزم سپاس گزارم به پاس عاطفه سرشار و گرمای امیدبخش وجودشان که در سردترین روزگاران بهترین پشتیبانمن بود.

تشکر میکنم از تمام دبیران و مشاورانی که من رو در موفقیت در این درس و کنکور راهنمایی کردند.

و تشکر ویژه دارم از موسسه آموزشی ونوس که زحمت تهیه و پخش مطالب این چینی را برای پیشرفت داوطلبان با انگیزه، بدون هیچ چشم داشتی بر عهده می گیرند.

شهریور ۹۵

امیر رضانی

@venustops

Subject:

Year. Month. Date. ()

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱

۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

ماکتب : توثیق
نم یکتب

ما + ماضی
لم / لئا + مضارع مجزوم

لا یکتب : نمی نویسد

مضارع منفی - لا + مضارع

لن یکتب : [بعد از] نخواهد نوشت

مستقبل منفی - لن + مضارع منصوب

لا تکتب : ننویس
لا یکتب : نیاید ننویسیم

امر منفی (نهی) - لا + مضارع مجزوم

لئا یکتب : توثیق است [منوز]

ماضی نقلی منفی - لم / لئا + مضارع مجزوم

ما کان یکتب / کان لا یکتب : نمی نوشت

ماضی استمراری منفی - یا کان یا فعل مضارع را ماضی می گویند

ما کان یتب / کان مالتب : نوشته بود

ماضی بعید منفی - یا کان یا فعل ماضی را ماضی می گویند

- اما خطاب که بر سر فعل ماضی یا مضارع که مجزوم نشده بنویسد به معنی فعلی که است و مفعول فیه ایا و عمل؟ خطاب بر کس؟
- ان و ف به معنای جانان و بیت او هر دو تواتر ترجمه میشوند
- حناک به معنای آجا اگر در ابتدای جمله اسمیه بیاید معنای وجود دارد چه در حد
- در بحث کوه و معرفت باید وقت شود «بی» میانی باشد «کوه» اشاره اشتباه نشود
- جان چه نزدیک جمله اسمیه غیر مفعول بدون صفت آمده باشد اگر نکره باشد معرفت ترجمه می شود
- آر بلافاصله بعد از یک اسم ال در یک اسم موصول جانین بیاید اسم ال در غالباً نکره ترجمه می شود
- اگر در جمله اسمیه غیر مفعول بدون صفت و جمع باشد معرفت ترجمه می شود هم مطلقون : ایشان مکلم هستند
- جان و هم پس از حقه و تک یک اسم جمع غیر عامل و بدون ال بیاید اسم اشاره به صورت جمع ترجمه می شود تک ضایع است

لی کتاب / عندی کتاب
ما / لیس عندی کتاب : کتابی ندارم

حال

مفهوم داشتن

کان لی کتاب / ما / لیس عندی کتاب : کتابی دارم
ماکان لی کتاب / لم یکن عندی کتاب : کتابی نداشتم

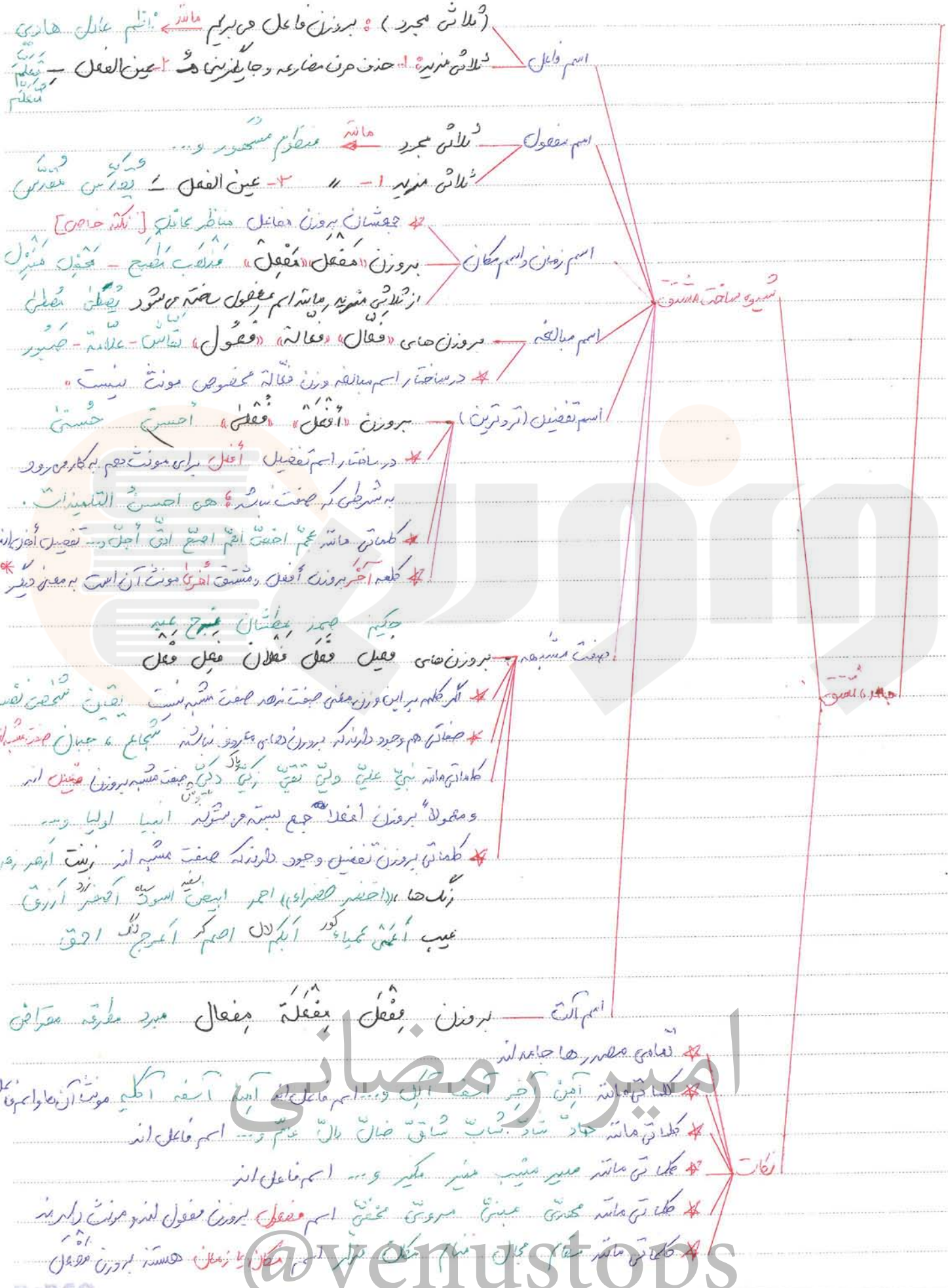
+ اسم مفرد مفرده ← هر
 كل تلعيذ : هر دانش آموزي
 + اسم مفرد معرفه ← هم تمام مراد
 كل اللّٰب : هم ي کتاب
 + اسم جمع معرفه ← هم
 كل الطلاب : هم دانش آموزان
 + من + جمع ← هر يك
 كل من العلين : هر يك از معلم ها

ل + مضارع مجزوم (غائب و متكلم)
 مفعول باي → علي + اسم يا ضمير متصل + ان + مضارع منصوب
 ليذهب : ان يذهب : تو باي يروني
 يجب + [علي + اسم يا ضمير متصل] + ان + مضارع منصوب
 يجب [عليا] ان يذهب : ما باي مجزوم

ماضى + ماضى فعل ۲ ماضى بقيد
 رأيت تلعيذا قرأ درسه
 ماضى + مضارع فعل ۲ ماضى استمراري
 رأيت تلعيذا ا لقرأ درسه
 مضارع + مضارع فعل ۲ مضارع اخباري
 ارى تلعيذا ا لقرأ درسه
 مضارع + ماضى فعل ۲ ماضى نقلى
 ارى تلعيذا قرأ درسه

امير رمضانى

@venustops



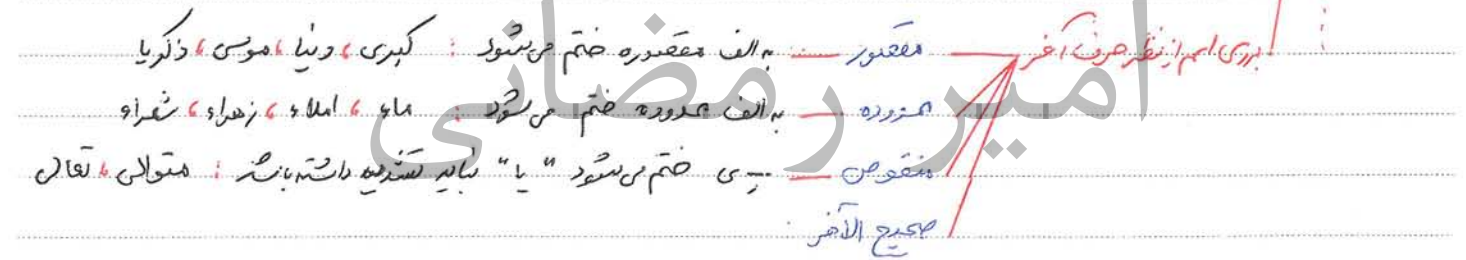
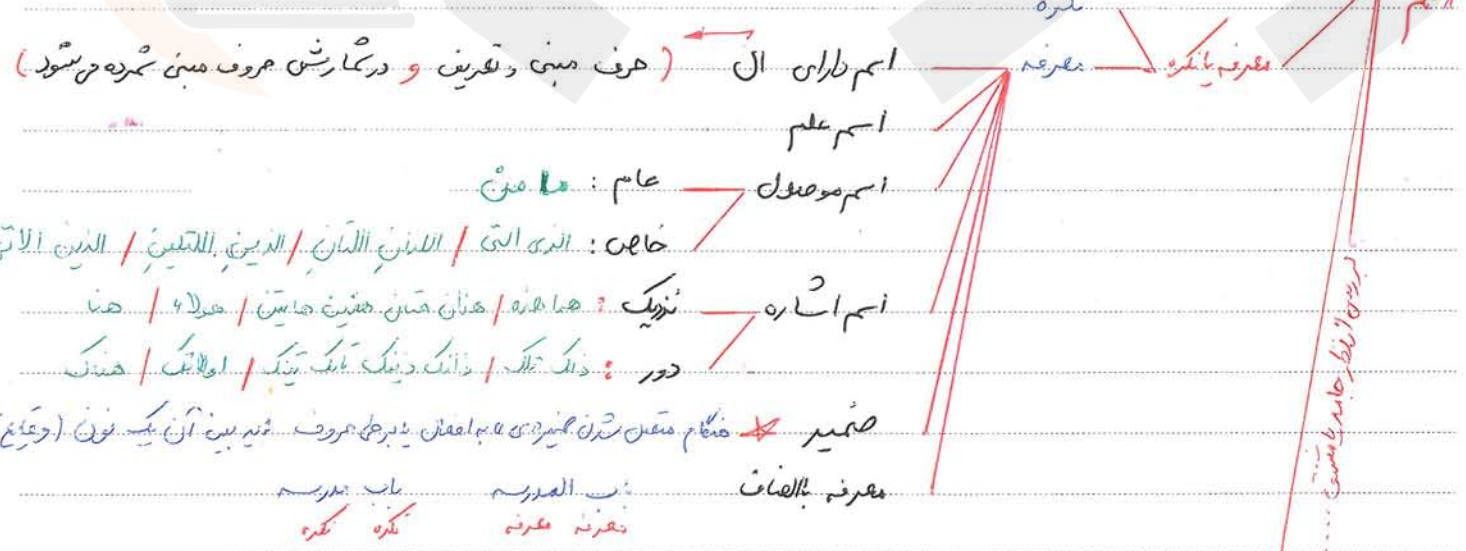
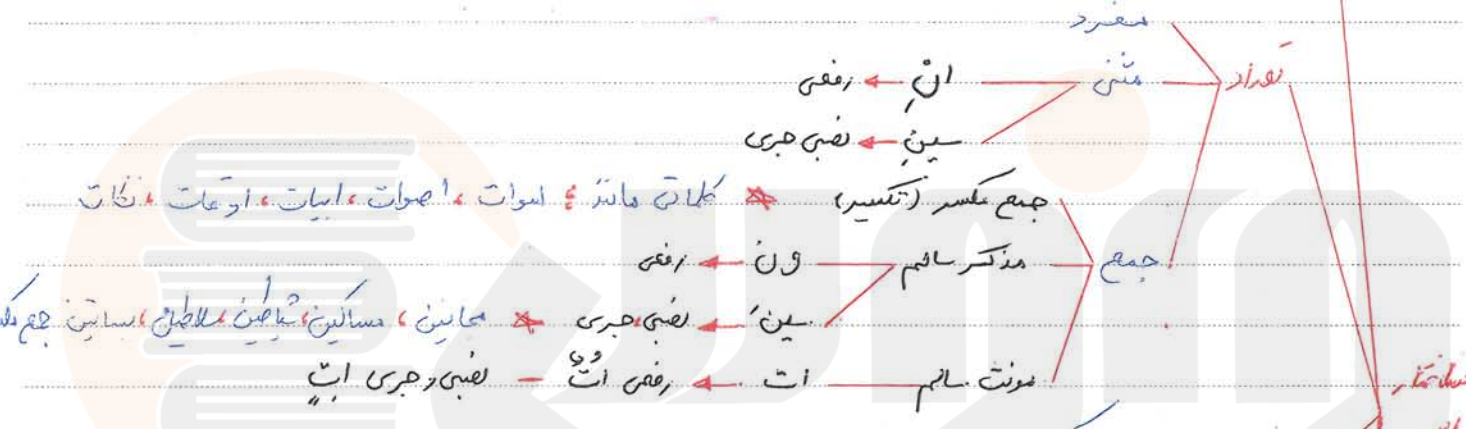
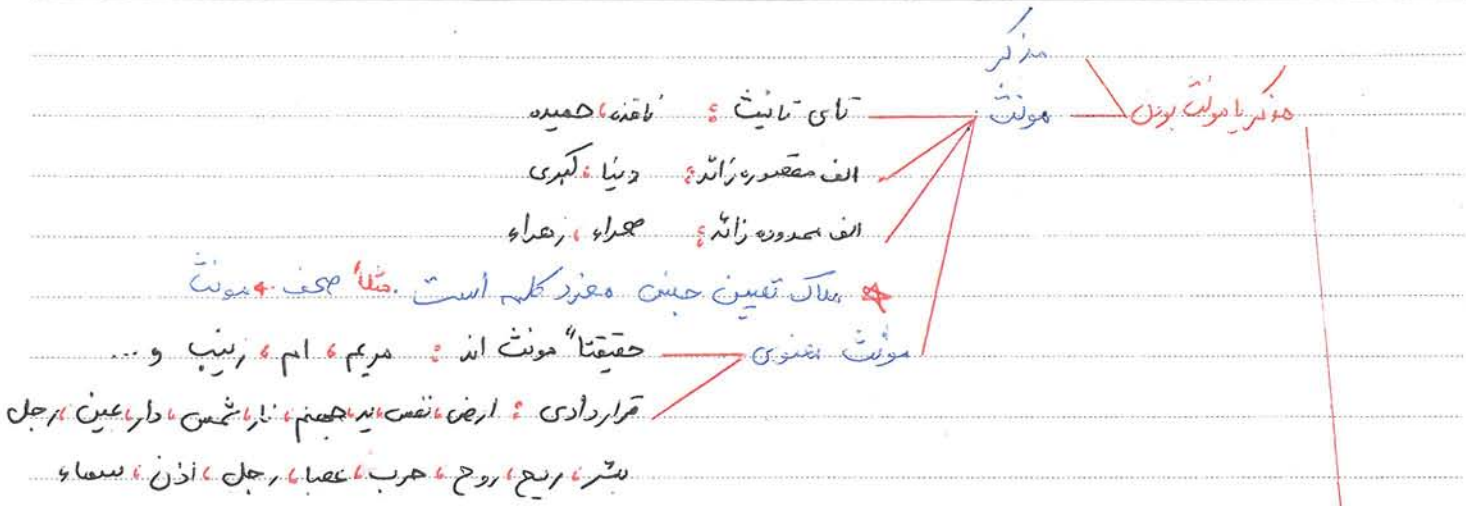
امپریو مصائب

تفاسی مظهرها جامع اند
 ثلاثی منزه (Passive Verb): *عین الفعل*
 ماضی مضارع (Present Verb): *عین الفعل*
 ماضی مجرد (Simple Past): *عین الفعل*

کلی تر ماضی مضارع (Present Verb): *عین الفعل*
 کلي تر ماضی مجرد (Simple Past): *عین الفعل*
 کلي تر ماضی مضارع (Present Verb): *عین الفعل*

کلي تر ماضی مجرد (Simple Past): *عین الفعل*
 کلي تر ماضی مضارع (Present Verb): *عین الفعل*

Subject: _____
Year. Month. Date. ()



ان	ان	ان	ان
ان	ان	ان	ان
ان	ان	ان	ان
ان	ان	ان	ان

متصله صرفه، راجحه | متصله صرفه، مفارقه | مفصله متصله، مفرد | مفصله مفرد، مفرد

Subject: _____
Year. Month. Date. ()

عربی
عنوان: عربی و لغت

تمام فعلن های ماضی
۶ و ۱۳ مضارع
۶ صیغه امر حاضر

اسم اشاره - درجالت نشین عرب هسسته : هزان هدرن هزان هسین
اسم موصول - " : الذان الذین الفان الثین
اسم خبری - ای بی معنی کدام معرب است : یایی نبت قلت
ضمایر
اسم شرط

عرب و لغت
عنوان: عربی و لغت

تمام حروف میثاقه
الضم ذهبوا
الفتح ذهبوا
الکسر اذنبوا
السكون ذهبوا
و کن هو ذلک
إ هواله
ها الی علی فی

علاک برای تکمیل مین علی... فعلها حرکت از حرف اصل است

امیر رمضان

@venustops

Subject :

Year .

Month .

Date .

()

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱

۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

ا	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ظ	ع	غ	ف	ق	ک	گ	ن	ی
---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---

فعل ماضی - حروف اصل +

ا	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ظ	ع	غ	ف	ق	ک	گ	ن	ی
ان	بن	پن	تن	ثن	جن	حن	خن	دن	ذن	رن	زن	سن	شن	صن	ضن	طن	ظن	عن	غن	فن	قن	کن	گن	نن	ین

فعل مضارع + حروف مضارع + صیغه ا ماضی +

- ۵ صیغه ۵
- ۷ صیغه ۷
- ۲ صیغه ۲

علامت ترفیع

امر حاضر (برای کتاب) - ا حروف مضارع ت مجزوم کردن کلمه ۷ - ال کلمه باین مانده است و

عین الفعل ۳ داشت ۱ اضافه کنیم بدین صورت را در پیش

ابتداء: فعل امر حرف باب افعال با همزه مفتوح شروع می شود

- تجلسین اجلس
- تظرون انظروا
- تکرموا کرهوا
- تساهدوا تساهدوا

امر غایب (برای کتاب) - ج + مضارع مجزوم

فعل لازم به مفعول نیاز ندارد ولی فعل متعدی به مفعول نیاز دارد

- بدون باب افعال بقره در پیش
- بدون باب تفعل بقره نزدیکه

افزودن حرف جر بذهب بسمه را برد

چنانچه یک فعل متعدی را به باب افعال ببریم دو مفعول می شود

همی فعل ها در باب تفعل متعدی هستند

جعل رزق وعده و جبهه حسب کسا البس جزای منع آتی اعل و

فعل	فعل
فعل	فعل
فعل	فعل

امیر مضانی

صیغه ۱ ماضی پس از ۳ حرف دارد

مطابق الوماء ضد سافه می شود

@venustops

Subject :
Year . Month . Date . ()

تعداد صورت افعال	امر	باب	بفصاح	فاضر
۱	أَفْعَلْ	أَفْعَل	يَفْعَلُ	أَفْعَلُ
۱	فَعَّلْ	تَفْعِيل	يُفَعِّلُ	فَعَّلْ
۱	فَاعِلْ	مُفَاعَلَة (فَعْلَان)	يُفَاعِلُ	فَاعِلْ
۲	فَعَّلَا	تَفَعَّلَا	يُتَفَعَّلَوْنِ	تَفَعَّلَا
۲	تَفَاعَلَا	تَفَاعَلَا	يَتَفَاعَلَوْنِ	تَفَاعَلَا
۲	انْفَعَلْ	انْفَعَال	يُنْفَعِلُ	انْفَعَلْ
۲	انْفَعَلَا	انْفَعَالَا	يُنْفَعِلُونِ	انْفَعَلَا
۳	اسْتَفْعَلْ	اسْتَفْعَال	يَسْتَفْعِلُ	اسْتَفْعَلْ

* مطلق تفسیر صرف زمانه صحیفه ا ماضی است
* در فعل های ثلاثی مزید ۳ فاضی ۳ امر به جهت زیادتی دارند و در غیر آن صورت

فعل + فاعل (برای فعل لازم)

فعل مفعول فاعل (برای فعل منطوق)

فعل نائب فاعل (برای فعل مجعول)

افعال

* فاعل همیشه مرفوع و در هر جمله قبل از فعل می آید به این ترتیب شکل

* هر فعلی که ضمیر از نسبت فاعلیت حتماً همان ضمیر بارز است

* همیشه های ۷ ۱۳ ۱۴ واجب استوار هستند (باید حتماً ضمیر مستتر)

* در صیغه های ۱ و ۴ ماضی مرفوع الی اسم ظاهر نبود فاعل ضمیر مستتر «هو را هم» است

* هر طاه فاعل اسم ظاهر باشد فعل باید مرفوع استخاره شود

* جایگزین فاعل جمع غیر عاقل باشد فعل باید به شکل «مفرد هونش» بیاید

تجزیه فعلی

مفعول (همیشه مرفوع است) مفعول به و فاعل (همیشه مرفوع است) مفعول به و فاعل بیاید

مفعول

امیر و مضانی

قرأ الطالب الكتاب

اسم ظاهر

ضمیر متصل مفعول

ضمیر متصل مفعول

ایبارک

ضمیر منفصل مفعول

@venustops

* ضمیر نا در هر دو طرف مفعول و فاعل به نظر می آید که الی الی با حذف کرم و فاعل در جهت ایجاد نشود فاعل

مبتداً
اسمها است مرفوع
عذراً مرفوعاً است
مفعولاً في الخبر من جملها من الآية

ارجان خبر مرفوع خبر مرفوع خبر مرفوع
یک اسم من باب "تکثر" است و معنای جمله عام مؤنث

خبر جمله اسمیه تمام جمله اسمیه خبر است
فعلیه فعل خبر است
علیه یخضب الی العقبه
علی خبر جنس و خبر

خبر شبه جمله جار و مجرور ظرف مکان - زمان

جملاتی که با کان و سایر افعال ناقصه شروع میشوند اسمیه هستند
* هرگاه خبر مرفوع باشد باید از نظر جنس و عدد با مبتدا تطابق کند
* خبر مرفوع در عبارت خبر مرفوعه جمله را تشکیل میدهد پس باید از این جهت خبر انتخاب کرد که معنای جمله را کامل کند

خبر مرفوع مبتدا مرفوعه
جانچه خبر شبه جمله را می توانه مرفوع شود ؟
الذی ملک السموات و الارض
الذی خلقناهم و جعلناهم حنفاء لربهم و جعلناهم اهل الذمیر

باید که خبر در جمله اولیاً هم است یعنی اول دنبال خبر مفرد بعد خبر جمله در بیان خبر شبه جمله هست
* برای پیدا کردن خبر مرفوعه است نقش های اصلی را فرعی دیگر را با بیسم مثل صفت مبتدا
نقش های فرعی اسم ال کلمه یعنی از اسم اشاره ال ظاهر باشد علی بن الرقیق صفت
* اسم موصول خاص بظرف اسم ال ظاهر باید صفت است
جملات و شبه جملاتی که بعد از اسم موصول هم و خبری است
* اگر خبر از مبتدا به یک خبر مرفوعه مرفوعه است پس آن خبر فعل یا خبر است

امیر رضائی
ذکر الرجل الذی رآناه من الشارع لیلة أسس هو المعلم الذی کان یدرس فی مدرستنا فی السنة العاشرة
مبتداً علی بن موصول
مفعول به
مفعول
مفعول
جار مجرور
صفت
صفت
صفت

فعل مضارع مرفوع است و چون ملرب است باید علامت رفع ملرب

اعراب اصلی — ۵ صیغه ۱، ۴، ۷، ۱۴، ۱۳

مرفوع — علامت رفع — اعراب فیزی — تمام صیغه‌های جز ۱۳ و ۶ که ثبوت نون در پایان نشان علامت ملرب
اعراب ملرب — صیغه ۱۳ و ۶ مبنی اند

فعل مضارع تحت تاثیر صرف ملرب منصوب در سبب و علامت نصب ملرب

اعراب اصلی — ۵ صیغه ۱، ۴، ۷، ۱۴، ۱۳

اب فعل مضارع — منصوب — علامت نصب — اعراب فیزی — حذف نون
اعراب ملرب — صیغه ۱۳ و ۶ مبنی اند
باید ۷ غیر عطف و ۱۳ مبنی است و فعل تحت تاثیر ملرب
حروف ملرب منصوب ملرب
آن لا تشیر

با کسب حروف جار و احوال شرط بر سر فعل مضارع مجزوم می شود و علامت جریم ملرب

اعراب اصلی — ۵ صیغه ۱، ۴، ۷، ۱۴، ۱۳

مجزوم — علامت جریم — اعراب فیزی — حذف نون
اعراب ملرب — صیغه ۱۳ و ۶ مبنی اند
لما، لم، لا (امر) یا لا (نهی)
ان، من، ما، اینها، متنها

- * ادات شرط معمولاً دو فعل را مجزوم می کنند فعل اول فعل شرط فعل دوم جواب شرط نام طبع
- * فعل شرط یا جواب شرط یا هر دو می توانند ماضی باشند که در این صورت محلا مجزوم می شوند
- * جواب شرط ممکن است اسمیه باشد که در این حالت برایش تأکید بیشتر در ابتدای عبارت به کار می رود
- * انتم الا ملولون ان کنتم مؤمنین — ان کنتم مؤمنین فانتهم الا ملولون

بلافاصله پس از آن یک فعل مضارع منصوب می آید [در هر ۱۴ صیغه]

حرف ملرب «ل» معمولاً در وسط جمله می آید به معنای که، تا، تا اینکه، بلکه، بلکه

بلافاصله پس از آن یک فعل مضارع مجزوم می آید [غایب و قتلکم]

حرف جار «لی» معمولاً در اول جمله می آید به معنای باین

امیر رضانی

حرف جر «لی» بلافاصله پس از آن یک اسم مجزوم می آید

لینیب الطلاب الی العربیة لتعلم الدرس

Subject: _____
Year. _____ Month. _____ Date. _____ ()

از دو بخش مضاف [نفس نیست] و مضاف الیه [نفس است مجرور] تشکیل شده که هر دو اسم اند و چهاره کنار هم می آیند

اجزای
الأضافه

ترکیب ها

وصف
الوصف

باید وقت کرد که در
زبان عربی مضاف الیه
قبل از مضاف می آید

از موصوف [مفعول] و صفت [نعت] (موصوف نفس نیست) تشکیل شده است
نفس است در چهار مورد از موصوف تبیین می کند

چنین --- برای جمع غیر عاقل ، صفت به شکل مفرد موند به کار می رود

مواضع

تعداد
مفرد و نکره --- صفت در معرفه و نکره بجز از موصوف پیروی می کند

اعراب --- صفت در اعراب (مرفوع ، منصوب و مجرور بودن) پیروی می کند نه در نوع اعراب

جمله ده صفت --- هر گاه یک اسم کلمه ذو بیاید ذو صفت است --- جاء رجل ذو علم

جمله ده صفت --- جمله ای است که در آن یک اسم کلمه را بیان می کند

از آن جا که جمله است محلی تابع مفعول است

برای ترجمه آن از آن که در **حاجول** استفاده می کنیم

جمله ای که بعد از اسم معرفه (علمه) یا [یا] پس از اسم موصول (علمه)

این دو عدد در نفس صفت هستند (الربا، العدد بیایند)

کتاب واحد عددی --- بعد از مفرد به کار می رود

بسیاری

اعداد

این اعداد صفت نیستند و با توجه به جایگاهشان اعراب می گیرند

آل و تنوین نمی گیرند

معدد این اعداد معلولا **تعیین** هستند

این اعداد با مفرد خود از نظر جنس مخالف اند به شکل جمع یا تنوین نصب می آید

قبل از مفرد می آیند و نفس می گیرند علامت اعراب در جزء اول عدد غایب شده می شود

از نظر جنس موافق مفرد اند

معدد این اعداد معلولا **موافق** است و به شکل مفرد یا تنوین نصب می آید

این اعداد برای بیان ترتیب در همین ساعت استفاده می شوند

ترتیب

جزء الأول ، بقیه هم بر وزن فاعل اند

این اعداد صفت اند (الربا بعدد به کار رفته باشند)

الساعة السابقة

@venustops

مجهول ماضی - هر فعل ماضی که با **و** شروع شود مجهول است جز **اَجُوزُ** ها
مجهول مضارع - هر فعل مضارع که با **و** شروع شود و عین الفعل آن داشته باشد مجهول است

المبني للمجهول - ماضی و مضارع - عین الفعل را - هر دو هم
فام صوف صفا دار قبل از عین الفعل را - هر دو هم
اَسْتَضْرَجُ و **اَسْتَضْرَجُ**

مضارع - عین الفعل را - هر دو هم
فقط جز مضارعه را - هر دو هم
يَسْتَضْرَجُ و **يَسْتَضْرَجُ**

مراحل تبدیل جمله حذف فاعل
تبدیل مفعول به نائب فاعل - المرفوع مضموع صفة داشته باشد یا به آن با هم در موقع کثرت
ساخته فعل مجهول
تطبیق آن با نائب فاعل

نکات
* درست ها هنگام تبدیل جمله معلوم به مجهول دریا برعکس باید به **عدم تغییر زمان فعل** دقت کرد
* در جمله های دو مفعولی مفعول اول را نائب فاعل و دو می را به عنوان مفعول می آوریم
* اگر مفعول ضمیمه متصل مضرب باشد برای مجهول کردن صیغه ارا را می بینیم به صیغه ضمیرین بهریم از طرفم الله
* هرگاه ضمیر متصل مضموع به یک فعل پیوسته عملاً نقل مفعول دارد و فعل مجهول **نشد** از طرفم

عدم الأعداء دوناً لشره و خيراً المصانع - هَدَيْتُ مَنْ لَسِرَةٍ و قُرَيْبٌ المصانع و

امیر رضانی

@venustops

Subject:

Year. Month. Date. ()

انواع من → اسم موصول من — غیر عامل & معروف در وسط جملہ میں آئیے معرفہ ← کسان کی کہ کسی نہ کسی نہ
 اسم استفہام من — غیر عامل & در ابتدائی جملہ میں پرسش میں آئیے نکرہ ← چہ کسی؟
 اسم شرط من — عامل جزم & معروف در ابتدائی جملہ میں آئیے نکرہ ← ہر کسی

ما اسم موصول ما — غیر عامل معروف ← چیز کی کہ چیز ہائی کہ
 اسم استفہام ما — غیر عامل نکرہ ← چہ چیز؟
 اسم شرط ما — عامل جزم معروف در ابتدائی جملہ میں آئیے نکرہ ← ہر چیز
 حرف نافیہ — غیر عامل ہر سرفعل مضارع میں آئیے و ان یا متغیر میں آئیے
 حرف ما کافہ — غیر عامل تائید صرف مشبہہ بالفعل بالزین و ہیز
 حرف ما توجب — ما أجل هذه المناظر
 ما تشبیہ لیس — و ما المال والأهلون إلا طائع

واو حالہ — غیر عامل
 واو عطف — غیر عامل
 واو قسم — عامل جر

لا نافیہ — غیر عامل ہر سرفعل مضارع میں آئیے و متغیر میں آئیے
 لا تہیہ — عامل جزم ہر سرفعل مضارع میں آئیے و ان یا مجزوم میں آئیے و امر متغیر میں آئیے
 لای عطفہ — غیر عامل معنای نہ ہی دہر
 لای نفی جزم / لای ناسخہ — عامل مثبت علی الفتح

امیر رمضان

@venustops

یک نقش منفوب است و حالت اسم را بیان می کند حال مجزئ یک اسم **مشتق** و **مفرد** است

ذوالحال - اسمی است که در جمله طالع حالت آن نشان داده می شود و از نظر **حسب** و **غیر** با ذوالحال
لجولین **حسب** یا **غیر** به حساب می آید.

و ذهب التلعینات الی البیت **مشتق** است
برای ترجمه می حال در زبان فارسی از قید استظهار می کنیم - ضاحکاً / خندان / باخنده

کلمه **عده** به معنای تعداد است و **السریم** ضمیر متصل می شود و **در** حرف تعلق است حال **قربان** **مفرد** است و **عده** **مفرد** است

کلمه **معا** به معنای **با یکدیگر** اسم جامدی است که حال **مفرد** است - سنشترک معانی الحفلة الکفرم

بعض اسم های مشتق **مفرد** است اما **بعض** اسم **مفرد** است اما **بعض** اسم **مفرد** است
سختی الکف عظیم الشأن **مفرد** است

حال

حرفه پس از بیان یا ضمیر یک جمله آهین از آن اعلی آن جمله می آید باید که درباره یک اسم **مفرد** **حالت** را بیان

جمله **حالیه** جمله **حالیه** است **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است

اگر جمله **حالیه** اسمیه باشد یا **قد** + فعل یا **یا** لم و **لما** + مضارع مجزوم شروع شود **حالیه** **مفرد** است

در جمله **حالیه** **مفرد** است ذوالحال وجود نداشته باشد - كان الرجل من الصحراء والشمس الحررة

بعض **حالیه** **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است

یک نقش **منفوب** **مفرد** و غالباً **جامد** است که برای رفع ابهام به کار می رود و معمولاً در پاسخ به سوال **مفرد** از **حالیه**

عبارتی که در آن اسم **تفصیل** به کار رفته باشد - أنت احسن القلمین **حالیه** **مفرد** است

عبارتی که در آن صا **اصول** **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است

بعد **تفصیل** **حالیه** **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است

انفعال که **نیام** **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است

حالیه

تعیین

برای ترجمه **حالیه** از عبارات از نظر - از جهت - از - استفاده می شود

هرگاه **حالیه** **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است

در این صورت **حالیه** **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است

انت **مفرد** **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است

هرگاه **حالیه** **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است

امیر مضایق

دانش **مفرد** **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است

در این کتاب را از نظر **قیمت** **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است

او **قیمت** **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است **مفرد** است

ادوات (غیر عامل)

ادوات استثناء: اسم یا جار و مجرور که در جمله ی قبل از آن به کار می رود

- * نقس محسوب نمی شود و معمولاً خودش از نقس هستی اصل جمله است
- * باید از نظر معنوی پیش از نقس باشد [جمع باشد، مکرر باشد، اسم جنس]

مستثنی

یک نقس منصوب است [در غیر مفعول] ما رأیت أحداً في الجنة إلا رجلاً
 اسم یا جار و مجرور است که بعد از الا می آید
 * مستثنی و مستثنی منه باید از یک نوع و یک گونه باشند [مرد و جار و مجرور]

استثناء

استثناء تام (غیر مفعول) - هر دو رکن استثناء در جمله ذکر شده است

انواع

مفعول مستثنی منه از جمله حذف شده است و جمله ی قبل الا از نظر معنا و ارکان کامل نیست

مفعول

- * آنچه بعد از الا می آید مستثنی مفعول است و اعراب مستثنی منه حذف شده باشد
- * مستثنی مفعول فقط در جملات مفعولی یا سوالی دیده می شود
- * گاهی ممکن است ضمیر فعل مستثنی منه باشد در صورتی که معنای جمله
- * الا به معنی جز و مگر است. امداد استثناء مفعول می توان آن را به صورت مثبت یا فقط ترجمه کرد به شرط آن که قدها در جایگاه درست بیاید

لا يقول المؤمن إلا الحق
 ما خرج من المدرسه إلا علي
 هي كانت نتيجة العمل إلا ما رأينا
 ۱۳۳/۱۳۳
 ۲۲/۱۳۳
 ۲۲/۱۳۳

منصوبات

یک نقس منصوب است اسمی که مورد بنا قرار می گیرد

الکحرف یا در جمله به کار رفته باشد بلافاصله پس از آن است [یا ممکن است بیاید] خبری یا شبهه تعریف [یا خبری یا شبهه تعریف]

خواره با مضاف الیه به کار می رود و یکی از علامت نصب نامی لیدر

مناطی مضاف: یا مفعول المدرسه یا صديق یا والدی یا ابوالفضل

نوعی مفعول یا مفعول مقدر یا مفعول مقدر یا مفعول مقدر یا مفعول مقدر

مناطی علم: در آن یک اسم علم مورد بنا قرار گرفته است - یا الله [الاسم] یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله

* نقس مناطی علم و کلمه مقصوده مبنی علی العلم و کلاً منصوب است

مناطی علم: مناطی علم است که علم نباشد یا تعلیم یا رجل یا سابق

* چنانچه خواهیم یک اسم معنی یا جمع را به کار ببریم چون مبنی علی العلم می شود مفعول

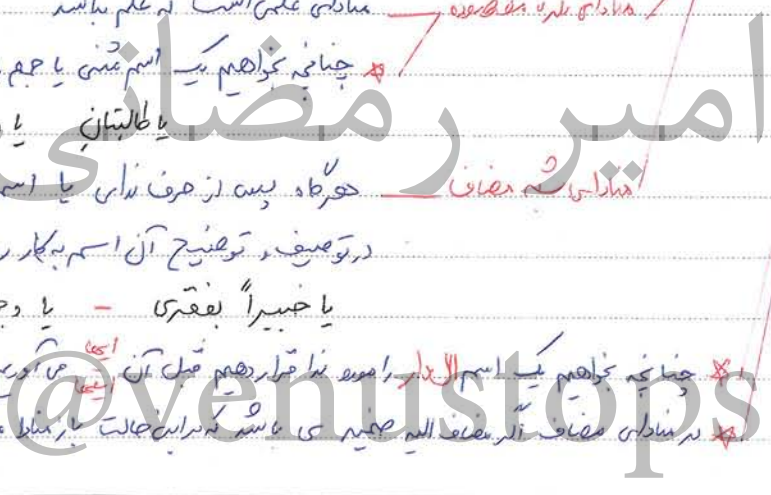
مناطی شبه مضاف: حور یا پست از حرف نای یا اسمی یا تثنی یا تثنی یا تثنی یا تثنی یا تثنی یا تثنی

در توصیف و توضیح آن اسم به کار رود آن را مناطی شبه مضاف می نامند و منصوب است

یا خبيراً بفقري - یا دجیهاً عند الله - یا تلميذاً لا تسقور

* چنانچه خواهیم یک اسم الیاء را مورد بنا قرار دهیم قبل آن اسمی را می آوریم و این مناطی مقصوده می باشد یا ایها الصاب

* در مناطی مضاف ذکر مضاف الیه صبیح می باشد که در این حالت با مناطی مضاف و تقدیراً منصوب است یا رکن یا رکن یا رکن یا رکن یا رکن یا رکن



۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

امیر رمضان



امیر رمضان

@venustops